

ایران ورزش

● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
● رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری
● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
● سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
● سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
● تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۱۳ • ۱۳۰۰۴۷۸۸۵
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۱۳۰۰ • ۸۸۷۴۶۵۳۸
● امور مشترکنان: ۸۸۷۴۸۰۰ • ۸۸۵۱۹۵۴
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● صندوق پستی: ۰۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

معادله نیمکت مادرید؛ چشم‌انتظار پایان جام جهانی

با سابقه قهرمانی جهان در سال ۲۰۱۸، یکی از گزینه‌های جدی محسوب می‌شود. در سوی دیگر، لیونل اسکالونی، سرمربی جوان و مدرن آرژانتین، با وجود نداشتن تجربه باشگاهی، به دلیل شناخت از فوتبال اسپانیا و موفقیت‌های اخیر، گزینه‌ای قابل تأمل است. مائوریسیو پوچتینو نیز که قراردادش با تیم ملی آمریکا پس از جام جهانی به پایان می‌رسد، همچنان در فهرست‌های مادرید جایگاه ثابتی دارد. در این میان، نام‌هایی چون ماسیمیلیانو آلگری و ژوزه مورینیو نیز مطرح هستند، اما قرارداد آنها با باشگاه‌های فعلی، مسیر جذب‌شان را پیچیده‌تر می‌کند.

با نزدیک شدن به جام جهانی پیش رو، برخلاف روند سال‌های اخیر، بازار مربیان و ستاره‌های فوتبال بار دیگر به این تورنمنت گره خورده است؛ رقابتی که می‌تواند مسیر نیمکت یکی از بزرگترین باشگاه‌های جهان، رئال مادرید، را نیز تعیین کند. در کانون توجه، سه نام برجسته قرار دارند: دیدیه دشان، لیونل اسکالونی و مائوریسیو پوچتینو. با این حال، چالش اصلی برای باشگاه‌ها، از جمله رئال مادرید، محدودیت زمانی است؛ چرا که هرگونه مذاکره جدی و برنامه‌ریزی فنی به پایان حضور این مربیان در تورنمنت وابسته است. دیدیه دشان، سرمربی باتجربه تیم ملی فرانسه،

ویژه

چگونه «پیکلز» آبروی امپراطوری بریتانیا را خرید؟

کاراگاه چهارپا

در تاریخ پرخنده جام‌های جهانی، قهرمانان بسیاری با کفش‌های میخ‌دار بر چمن درخشیده‌اند، اما تنها یک قهرمان بود که دم داشت و پارس می‌کرد. در بهار ۱۹۶۶، زمانی که بریتانیا در آستانه میزبانی جام جهانی با یکی از بزرگترین رسوایی‌های امنیتی خود روبه‌رو شده بود، سگی دورگه به نام «پیکلز» به ناچ غرور ملی بدل شد و داستانی ماندگار را در حافظه فوتبال جهان ثبت کرد.

ماجرا از مارس همان سال آغاز شد؛ تنها چهار ماه پیش از شروع مسابقات. جام «ژول ریمه»، نماد پرافتخار فوتبال جهان، در تالار مرکزی متدیست در منطقه وست‌مینستر لندن به نمایش گذاشته شده بود. با وجود تدابیر امنیتی و بیمه قابل توجه، سارقان در روز روشن و از طریق در پشتی وارد ساختمان شدند، وپترین را شکستند و جام را به سرقت بردند، بی‌آنکه ردپایی برجای بگذارند. انتشار این خبر، موجی از حیرت و تمسخر را در سطح جهان پراکنجست و پلیس اسکاتلند یار را زیر فشار بی‌سابقه قرار داد. چند روز بعد، روزنه‌ای از امید پدیدار شد. «جو میرز»، رئیس فدراسیون فوتبال انگلستان، نامه‌ای از فردی ناشناس دریافت کرد که خود را «جکسون» معرفی کرده بود. او در ازای بازگرداندن جام، درخواست ۱۵ هزار پوند باج کرده و تهدید کرده بود در غیر این صورت آن را نابود خواهد کرد. پلیس با طراحی عملیاتی حساب شده، با پول‌های تقلبی به قرار ملاقات رفت و فردی به نام اواسطه از کار درآمد و اطلاعاتی از محل جام در اختیار نداشت. تحقیقات بار دیگر به بن بست رسید. در حالی که امیدها رو به افول بود، سرنوشت ورق خورد.

هفت روز پس از سرقت، در ۲۷ مارس، مردی به نام دیوید کوربت هنگام قدم زدن در جنوب لندن به همراه سگش پیکلز، شاهد اتفاقی غیرمنتظره شد. پیکلز ناگهان به سمت پرچینی دوید و شروع به کنسولگاو کرد. زیر یک خودرو، بسته‌ای پیچیده در روزنامه پنهان شده بود. کوربت با تردید آن را باز کرد و با مشاهده نشانه‌های طلایی و نام کشورها، به حقیقت شگفت‌انگیزی برد: جام جهانی پیدا شده بود. با این حال، بازگشت جام نیز خالی از حاشیه نبود. هنگامی که کوربت آن را به پلیس تحویل داد، به جای تقدیر، مورد سوءظن قرار گرفت و ساعت‌ها بازجویی شد. مأموران گمان می‌کردند او در سرقت نقش داشته و اکنون قصد دریافت پاداش را دارد. پس از بررسی‌های لازم، بی‌گناهی او ثابت شد و ناگهان ورق برگشت؛ کوربت و پیکلز به قهرمانان ملی تبدیل شدند. شهرت پیکلز به سرعت از مرزهای بریتانیا فراتر رفت. صاحبش پاداشی قابل توجه دریافت کرد که با آن توانست خانه‌ای خریداری کند. پیکلز نیز به چهره‌ای رسانه‌ای بدل شد؛ در یک فیلم سینمایی ظاهر شد، مدال افتخار دریافت کرد و حتی در میزبان رسمی پس از قهرمانی انگلستان حضور یافت. او نمادی از شانس، سادگی و نقش اتفاق در سرنوشت شد. با این همه، پایان این داستان شیرین، تلخ بود. پیکلز تنها یک سال بعد، در حادثه‌ای ناگهانی جان خود را از دست داد و به حیاط خانه‌اش به خاک سپرده شد. با این حال، نام او برای همیشه در تاریخ فوتبال باقی ماند؛ نه به عنوان یک بازیکن، بلکه به عنوان ناجی جامی که می‌توانست هرگز به مقصد نرسد. داستان پیکلز یادآور آن است که فوتبال، فراتر از تاکتیک و مهارت، به لحظات غیرمنتظره و قهرمانان غیرمعمول نیز وابسته است. اگر آن شب ساده، آن پیاده‌روی کوتاه و آن کنجکاو غریزی نبود، شاید جام جهانی ۱۹۶۶ هرگز به شکلی که امروز می‌شناسیم، برگزار نمی‌شد. در جهانی که همه چشم به ساق‌های طلایی دوخته بودند، این «بینی تیز» یک سگ بود که آبروی فوتبال یک ملت را خرید.

سوزه

بلیت‌های نجومی، صندلی‌های خالی

در حالی که کمتر از ۴۰ روز تا آغاز جام جهانی ۲۰۲۶ باقی مانده، گزارش‌ها از فروش ضعیف بلیت‌ها در مرحله گروهی حکایت دارد؛ موضوعی که نگرانی‌های جدی برای برگزارکنندگان ایجاد کرده است. این در حالی است که قیمت‌های بسیار بالا، به عنوان مهم‌ترین عامل کاهش استقبال هواداران مطرح می‌شود. بر اساس اعلام رسمی، بلیت دیدار افتتاحیه تیم ملی آمریکا برابر پاراگوئه که در است ۱۲ ژوئن در لس‌آنجلس برگزار شود، همچنان در دسترس است. قیمت این بلیت‌ها از ۱۱۲۰ دلار آغاز می‌شود و در برخی بخش‌ها به بیش از ۴۱۰۰ دلار می‌رسد. همچنین در بسته‌های ویژه (VIP)، قیمت‌ها حتی تا ۶۰۵۰ دلار برای هر صندلی افزایش یافته است. بسیاری از بلیت‌ها نیز در محدوده ۲۰۰۰ دلار قیمت‌گذاری شده‌اند؛ رقمی که برای بسیاری از هواداران غیرقابل پرداخت است. این روند تنها به بازی افتتاحیه محدود نمی‌شود. طبق گزارش‌ها، برای اغلب مسابقات مرحله گروهی نیز همچنان صندلی‌های خالی وجود دارد. بلیت‌ها از طریق بخش «فروش لحظه آخری» در سایت رسمی فیفا عرضه شده‌اند و تمامی ۱۰۴ مسابقه این رقابت‌ها در این مرحله به دسترس قرار دارند. ناراضایی هواداران از جامی که مراحل ابتدایی فروش بلیت‌ها آغاز شد؛ جهانی که قیمت بلیت‌ها به حدود ۱۱ هزار دلار رسید. بسیاری از علاقه‌مندان فوتبال معتقدند سیاست قیمت‌گذاری پویا و افزایش مستمر قیمت‌ها، آنها را عملاً از حضور در این رویداد جهانی محروم کرده است.

روایتی از جام جهانی ۱۹۶۶

فوتبال به خانه برگشت

گزارش یک

محمدرضارحیم‌پور

خبرنگار

سال ۱۹۶۶ برای انگلیسی‌ها صرفاً یک عدد در تقویم نبود، بلکه لحظه‌ای تاریخی بود که در آن فوتبال، پس از سال‌ها دوری از قله، سرانجام به زادگاه خود بازگشت. این بازگشت اما آرام و بی‌حاشیه نبود؛ بلکه در بستری از جنجال، شگفتی، خشونت و تحول شکل گرفت. جام جهانی ۱۹۶۶ انگلستان، رویدادی بود که نه تنها سرنوشت یک قهرمان را رقم زد، بلکه مسیر آینده فوتبال مدرن را نیز تغییر داد.

پیش از آنکه حتی نخستین سوت مسابقات به صدا درآید، بحرانی غیرمنتظره توجه جهانیان را به خود جلب کرد. جام ژول ریمه، ارزشمندترین نماد فوتبال جهان، در لندن به سرقت رفت. این حادثه، حیثیت میزبان را به چالش کشید و پلیس را در برابریکی از عجیب‌ترین پرونده‌های تاریخ خود قرار داد. در حالی که امیدها برای یافتن جام کمرنگ شده بود، یک قهرمان غیرمنتظره ظاهر شد؛ سگی به نام پیکلز که در جریان یک پیاده‌روی ساده، جام را در میان روزنامه‌ای پیچیده زیر پرچینی پیدا کرد. این اتفاق، به سرعت به یک داستان افسانه‌ای بدل شد و پیکلز را به چهره‌ای محبوب در میان مردم تبدیل کرد.

اما آنچه در زمین مسابقه رخ داد، به همان اندازه تأثیرگذار بود. برزیل، قهرمان دو دوره پیشین، با امید به ثبت سومین قهرمانی پیاپی وارد رقابت‌ها شد. با این حال، شرایط تیم و به‌ویژه برخورد‌های خشن حریفان، رؤیای آنها را به کابوسی تلخ بدل کرد. پله، ستاره بی‌چون‌وچرای تیم، در بازی نخست زیر فشار شدید مدافعان آسیب دید. داوران نیز با نوعی سناهل عجیب، اجازه ادامه بازی خشن را می‌دادند. او بازی دوم را از دست داد و در دیدار سوم، با وجود بازگشت، بار دیگر هدف تکل‌های سنگین قرار گرفت. صحنه‌ای که او با درد و ناتوانی در کنار زمین ایستاده بود، یکی از تلخ‌ترین لحظات تاریخ جام جهانی شد. پله پس از این تجربه اعلام کرد که دیگر در جام جهانی شرکت نخواهد کرد، هرچند بعدها این تصمیم را تغییر داد.

در سوی دیگر، انگلستان با هدایت آلف رمزی، رویکردی متفاوت را در پیش گرفت. او با کنار گذاشتن وینگرهای سنتی، سیستمی مبتنی بر نظم، دوندگی و کنترل میانه میدان طراحی کرد. این تیم که به «عجوبه‌های بدون بال» معروف شد، نشان داد که فوتبال دیگر تنها به مهارت فردی وابسته نیست، بلکه تاکتیک و ساختار تیمی نقشی تعیین‌کننده دارند. این تحول،

ورزشگاهی که بارها بازسازی شد

ومبلی؛ معبدی که فوتبال را جاودانه کرد



در میان تمام استادیوم‌هایی که تاریخ فوتبال به خود دیده، کمتر مکانی را می‌توان یافت که به اندازه «ومبلی» یا خاطره، اسطوره و هویت این ورزش گره خورده باشد. ورزشگاه ومبلی در سال ۱۹۲۳ افتتاح شد و از همان ابتدا، نه فقط یک میدان مسابقه، بلکه نمادی از شکوه فوتبال انگلستان بود؛ مکانی که در آن، سنت و افتخار به نمایش گذاشته می‌شد و هر بازی، رنگی از تاریخ به خود می‌گرفت.

اما نقطه اوج این ورزشگاه، بدون تردید به تابستان ۱۹۶۶ بازمی‌گردد؛ زمانی که انگلستان میزبان جام جهانی شد و ومبلی به قلب تپنده فوتبال جهان بدل گشت. این استادیوم، میزبان دیدارهای حساس متعددی بود اما مهم‌ترین آنها، فینال تاریخی میان انگلستان و آلمان غربی بود؛ مسابقه‌ای که نه تنها سرنوشت جام، بلکه بخشی از هویت ملی بریتانیایی‌ها را رقم زد.

در روز ۳۰ ژوئیه ۱۹۶۶، ومبلی شاهد یکی از دراماتیک‌ترین فینال‌های



اخراج کاپیتان آرژانتین و اعتراض طولانی او، نشان داد که نبودن میان مشترک میان داور و بازیکن می‌تواند به بحران تبدیل شود



جام جهانی ۱۹۶۶ نخستین دوره‌ای بود که به صورت گسترده و زنده از تلویزیون پخش شد. این تحول، فوتبال را از یک رویداد ورزشی به یک پدیده جهانی تبدیل کرد. میلیون‌ها نفر در سراسر جهان، برای نخستین بار توانستند لحظات حساس مسابقات را به‌طور همزمان تماشا کنند. این تغییر، آغازگر عصری جدید در ارتباط میان ورزش و رسانه بود.

در نهایت، جام جهانی ۱۹۶۶ را می‌توان نقطه تلاقی سنت و مدرنیته دانست؛ از یک سو، میراث تاریخی فوتبال و شکوه ورزشگاه ومبلی و از سوی دیگر، ظهور تاکتیک‌های جدید، نقش پررنگ رسانه‌ها و افزایش تنش‌های رقابتی. این جام نشان داد که فوتبال در حال تغییر است؛ از یک بازی ساده به یک پدیده پیچیده و چندبعدی. انگلستان قهرمان شد، اما میراث واقعی این رقابت‌ها، درسی بود که به جام فوتبال آموخت؛ برای پیروزی، تنها استعداد کافی نیست بلکه ترکیبی از نظم، استراتژی، آمادگی و گاه، شانس نیز لازم است.

تصاویر تاریخ ورزش محسوب می‌شود. لحظه‌ای که بابی مور، کاپیتان تیم ملی انگلستان، جام را از دستان ملکه الیزابت دوم دریافت کرد، به نمادی جاودانه بدل شد. این تصویر، نه تنها یک پیروزی ورزشی، بلکه تجلی غرور ملی و بازگشت فوتبال به خانه بود. ومبلی در آن لحظه، به معبدی تبدیل شد که در آن، تاریخ نوشته می‌شد. نقش ومبلی در جام جهانی ۱۹۶۶ تنها به میزبانی مسابقات محدود نمی‌شود. این ورزشگاه، به‌واسطه معماری خاص، ظرفیت بالا و فضای منحصر به فردش، تجربه‌ای متفاوت برای تماشاگران و بازیکنان فراهم کرد. طاق‌های معروف ومبلی قدیم به نمادی بصری تبدیل شدند که هر بیننده‌ای را به یاد این مکان می‌انداخت.

با گذشت سال‌ها، ومبلی بارها بازسازی شد و چهره‌ای مدرن به خود گرفت. اما روح آن همچنان حفظ شده است. هر بار که مسابقه‌ای در این ورزشگاه برگزار می‌شود، سایه خاطرات ۱۹۶۶ بر آن سنگینی می‌کند؛ دروازه و فرود آن روی خط. داور پس از مشورت، گل را پذیرفت؛ تصمیمی که به یکی از بحث‌برانگیزترین لحظات تاریخ فوتبال تبدیل شد.

ومبلی در آن روز، چیزی فراتر از یک ورزشگاه بود؛ به صحنه‌ای بدل شد که در آن، هیجان، تردید، شادی و غرور در هم تنیده شدند. وقتی سوت پایان به صدا درآمد و انگلستان با نتیجه ۴ بر ۲ پیروز شد، این استادیوم به معنای واقعی کلمه منجر شد. تماشاگران به زمین ریختند، پرچم‌ها به اهتزاز درآمدند و صحنه‌ای خلق شد که تا امروز، یکی از ماندگارترین

از معجزه تا مجازات کره شمالی در جام جهانی ۱۹۶۶

وقتی تیمی گمنام جهان را شوکه کرد



تیم ملی فوتبال کره شمالی در جام جهانی ۱۹۶۶ یکی از شگفتی‌سازترین داستان‌های تاریخ فوتبال را رقم زد؛ تیمی ناشناخته که توانست تا مرحله یک‌چهارم نهایی پیش برود و نگاه جهان را به خود جلب کند. با این حال، روایت‌هایی که بعدها درباره سرنوشت بازیکنان بعد از شکست مقابل پرتغال مطرح شد، این موفقیت را به داستانی تلخ و بحث‌برانگیز تبدیل کرده است. جام جهانی، اگرچه یک رویداد ورزشی است، اما همواره تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود بوده است. دهه‌های میانی قرن بیستم، دوره‌ای پر تنش در روابط بین‌الملل بود و رقابت‌های فوتبال هم از این فضای پر تنش جدا نبودند. از تأثیر جنگ‌ها و ایدئولوژی‌ها در جام‌های پیشین گرفته تا شکاف میان کشورهای ثروتمند و فقیر، همه این عوامل در شکل‌گیری فضای مسابقات نقش داشتند.

در جام جهانی ۱۹۶۶ که در انگلستان برگزار شد، شرایط خاصی حاکم بود. تیم‌های آفریقایی در اعتراض به سهمیه‌بندی ناعادلانه فیفا این رقابت‌ها را تحریم کردند. در نتیجه، تنها یک نماینده از آسیا در مسابقات حضور داشت و آن هم کره شمالی بود. این تیم با برد قاطع مقابل استرالیا جواز حضور در جام جهانی را به دست آورد، اما حتی پس از صعود هم با چالش‌های سیاسی روبه‌رو شد. دولت انگلستان ابتدا از صدور ویزا برای این تیم خودداری کرد، اما در نهایت با فشار فیفا، اجازه حضور آنها صادر شد؛ البته با محدودیت‌هایی از جمله پخش نشدن سرود ملی‌شان. بازیکنان

کره شمالی قبل از اعزام، با رهبر کشورشان دیدار کردند و مأموریت داشتند تا برتری نظام خود را به نمایش بگذارند. تمرینات سخت و فشرده، بخشی از آماده‌سازی این تیم بود. آنها با ترکیبی از بازیکنان کم‌نام‌ونشان و میانگین قدی پایین، کار اجباری فرستاده شده‌اند. با این حال، صحت این ادعاها همواره محل بحث بوده و برخی منابع حتی آنها را رد کرده‌اند یا اغراق‌آمیز دانسته‌اند. آنچه مسلم است، این تیم با وجود همه محدودیت‌ها، نمایشی تاریخی ارائه داد که هنوز هم از آن به عنوان یکی از غیرمنتظره‌ترین موفقیت‌های فوتبال یاد می‌شود. داستان کره شمالی در جام جهانی ۱۹۶۶ نشان می‌دهد که فوتبال تنها یک بازی نیست، بلکه می‌تواند بازتابی از سیاست، ایدئولوژی و شرایط اجتماعی یک کشور باشد. این تیم کوچک با اراده‌ای بزرگ، توانست برای مدتی کوتاه معادلات فوتبال جهان را برهم بزند و نام خود را در تاریخ ماندگار کند.

کره شمالی قبل از اعزام، با رهبر کشورشان دیدار کردند و مأموریت داشتند تا برتری نظام خود را به نمایش بگذارند. تمرینات سخت و فشرده، بخشی از آماده‌سازی این تیم بود. آنها با ترکیبی از بازیکنان کم‌نام‌ونشان و میانگین قدی پایین، کار اجباری فرستاده شده‌اند. با این حال، صحت این ادعاها همواره محل بحث بوده و برخی منابع حتی آنها را رد کرده‌اند یا اغراق‌آمیز دانسته‌اند. آنچه مسلم است، این تیم با وجود همه محدودیت‌ها، نمایشی تاریخی ارائه داد که هنوز هم از آن به عنوان یکی از غیرمنتظره‌ترین موفقیت‌های فوتبال یاد می‌شود. داستان کره شمالی در جام جهانی ۱۹۶۶ نشان می‌دهد که فوتبال تنها یک بازی نیست، بلکه می‌تواند بازتابی از سیاست، ایدئولوژی و شرایط اجتماعی یک کشور باشد. این تیم کوچک با اراده‌ای بزرگ، توانست برای مدتی کوتاه معادلات فوتبال جهان را برهم بزند و نام خود را در تاریخ ماندگار کند.